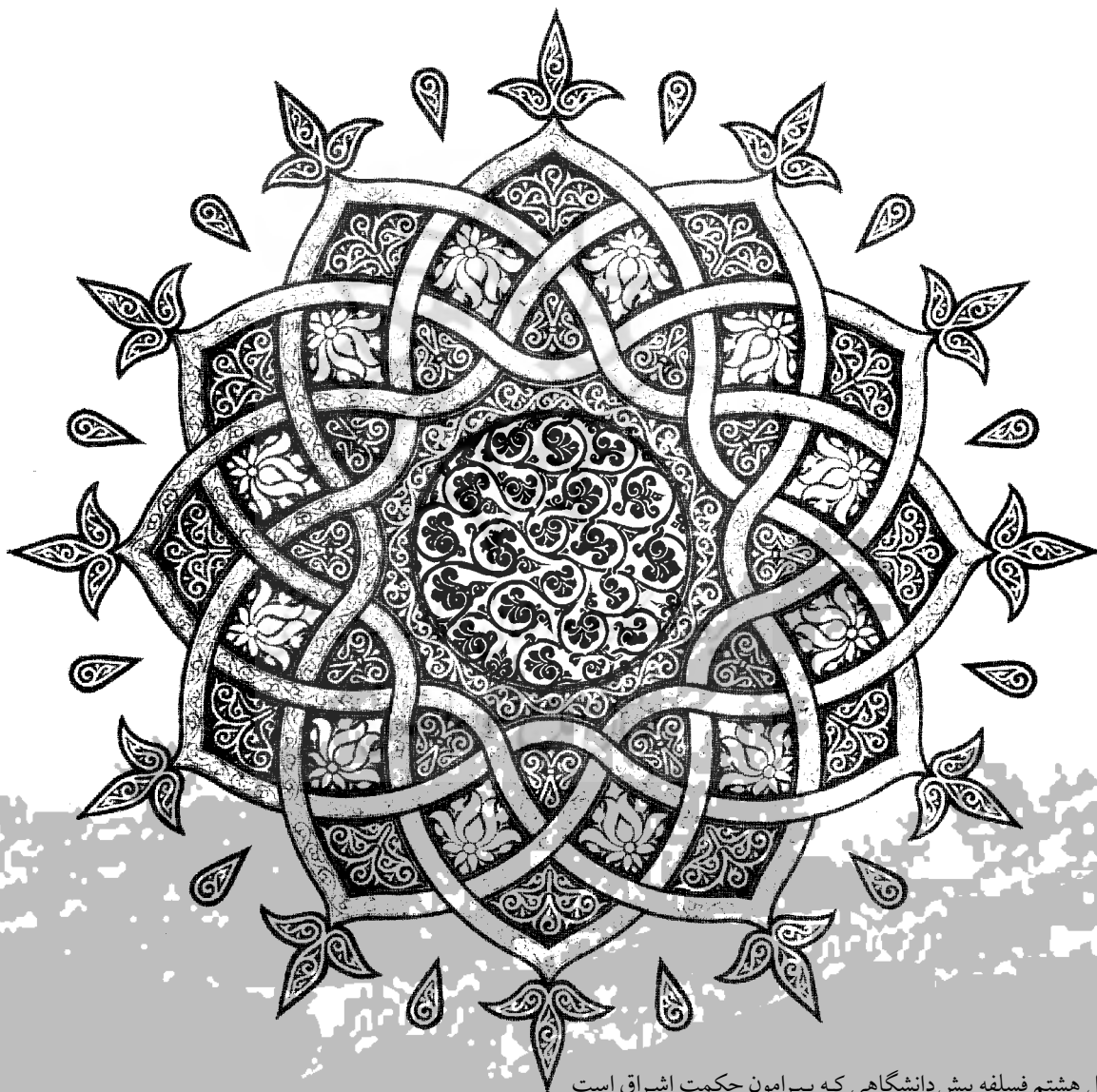


شرحی بر قاعده‌ی امکان اشرف

کبری معماری
دبیر منطقه‌ی ۶ تهران - کارشناس ارشد فلسفه
از دانشگاه تهران



اشاره

فصل هشتم فلسفه پیش‌دانشگاهی که پیرامون حکمت اشراق است سرفصلی دارد تحت عنوان امکان اشرف. این مقاله جهت بسط و تفصیل آن‌چه در کتاب درسی آمده، تقریر یافته است. فلسفه در جهان اسلام (حکمت اسلامی)، با برخورداری از مبانی استوار، همواره به حل مسائل کلی بشر همت گماشته و به نیکوترین وجه، از دقایق و ظرایف آرا و اندیشه‌ها

استفاده کرده است. از جمله‌ی این موارد، توجه فیلسوفان مسلمان به قاعده‌ای موسوم به «امکان اشرف» است که با تیزبینی به اهمیت آن در اثبات مسائل مهم فلسفی و رفع بسیاری از مشکلات پی برده‌اند و به وجهی شایسته از آن استفاده کرده‌اند.



چکیده

قاعده‌ی امکان اشرف که از فروعات قاعده‌ی «الواحد» است، به تبیین مسئله‌ی «صدور کثرت از وحدت» و نیز به اثبات وجود موجوداتی می‌پردازد که ما به ادراک حسی، وجود آن‌ها را در نمی‌یابیم، اما امکان وجودشان هست. از جهت رتبه‌ی وجودی هم برتر از موجوداتی هستند که آن‌ها را درک کرده‌ایم. ریشه‌های این قاعده در فلسفه‌ی ایران باستان است. افلاطون آن را از فلسفه‌ی پارس گرفت و «المثل الالهیه» و «ارباب انواع» [امام، ۱۳۵۳: ۱۳۳-۱۳۵] نامید و سپس ارسطو و افلوپین از آن استفاده کردند. در میان فیلسوفان مسلمان، اولین بار شیخ الرئیس از این قاعده در دو کتاب «تعلیقات» و «الهیات شفا» استفاده کرده است. ولی احیای این قاعده به معنای واقعی و برهانی کردن آن، توسط فیلسوف شهید شهاب‌الدین سهروردی صورت گرفت و از آن در حل مسائل مهم فلسفی، بهره‌های فراوان برد. تقریری که وی برای این قاعده مطرح کرده، عیناً توسط فیلسوفان بعدی از جمله میرداماد تکرار شد. تا این که در نهایت، ملاصدرا آن را بسط داد، اشکالاتی بر آن وارد کرد و خود به رد آن‌ها برهان اقامه کرد و هم‌چنین تقریر دیگری بر تقریرات قبل افزود. در دوران معاصر، فیلسوف عالی‌مقام علامه طباطبایی (ره) به این قاعده توجه کرد و با تقریر دیگر به اثبات آن پرداخت. در این مقاله به اختصار موارد زیر مطرح می‌شوند:

- محتوا و مضمون قاعده
- خاستگاه قاعده‌ی امکان اشرف
- شرایط اجرای قاعده
- تقریرات
- موارد اجرای قاعده.

قاعده‌ی امکان اشرف که از فروعات قاعده‌ی «الواحد» است، به تبیین مسئله‌ی «صدور کثرت از وحدت» و نیز به اثبات وجود موجوداتی می‌پردازد که ما به ادراک حسی، وجود آن‌ها را در نمی‌یابیم اما امکان وجودشان هست

کلید واژه‌ها: امکان اشرف، قاعده‌ی الواحد، عالم مثال، عقول طولی، عقول عرضی و نفس

بیان قاعده

در میان موجودات ممکن، موجودی که درجه‌ی وجود بالاتری دارد (اشرف)، بر موجودی که مرتبه‌ی پایین‌تری دارد (اخس)، دارای تقدم وجودی است. حال اگر ممکن اخس موجود باشد، نشان‌دهنده‌ی آن است که موجود شریف‌تر پیش از آن به وجود آمده است. برای مثال، مرتبه‌ی وجودی عقل برتر از نفس است. حال اگر نفس وجود داشته باشد، لازم است که پیش از آن عقل وجود یافته باشد. مسئله در مورد اعراض و جواهر نیز چنین است؛ وجود اعراض دلیل بر تقدم وجودی جوهر است. این قاعده یکی از فروغ قاعده‌ی الواحد است و فیلسوفان به کمک این دو قاعده، از عهده‌ی حل مشکل کیفیت صدور کثیر از واحد بر آمده‌اند.

خاستگاه قاعده‌ی امکان اشرف

در زمان افلاطون در سرزمین پارس نظریه‌ای وجود داشت به نام «نظریه‌ی امشاسبندان» که حکمای ایرانی برای تبیین صدور کثرت از وحدت

آن را به کار می‌بردند و چنین بود: «مبدأ اول اورمزد یا نورالانوار، نخست، نور اسپهبد یا بهمن را آفرید و هستی بخشید. آن‌گاه از بهمن، اردیبهشت پدید آمده و از او دیگری و هر یک از دیگری روشنی هستی یافت، چنان که چراغ از چراغ دیگر روشن می‌شود و آتش از آتش دیگر افروخته می‌گردد و از هیچ کدام چیزی کاسته نمی‌گردد» [فلسفه در ایران باستان، ۱۳۵۳: ۱۳۵].

این نظریه مورد توجه افلاطون واقع شد و آن را با عنوان «المثل الالهیه» و «ارباب انواع» به کار برد. در عصر ترجمه، آن‌گاه که حکمای مسلمان فلسفه‌ی افلاطون را به عربی ترجمه کردند، ارباب انواع را «المثل الافلاطونیه» یا «المثل» نامیدند [پیشین].

در برخی از کتاب‌های ارسطو عباراتی مشاهده می‌شود که مشعر بر آشنایی او با این قاعده است؛ از جمله این عبارت در کتاب «السماء و العالم»: «باید معتقد بود که در عالم اعلا (علویات) آن‌چه اکرم و اشرف (از موجودات زمینی و ناسوتی) است، موجود است» [فیض و فاعلیت وجودی، ۱۳۸۱: ۴۳۸].

و انواع، به استعداد و امکان بستگی دارد. پس هر یک از عقول فعال نسبت به آن چه از آن صادر می‌شود، اشرف است و همه‌ی عقول فعال از امور مادی شریف‌ترند. در میان مادیات نیز موجودات آسمانی بر عالم طبیعت برتری دارند.

مقصود او از اشرف در این جا چیزی است که در ذات خود تقدم دارد و هستی مرتبه‌ی فرورتر از آن، تنها پس از هستی آن امر متقدم امکان‌پذیر است» [دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲: ۲۳۱؛ تعلیقات: ۲۱؛ عرشیه: ۱۵۰ و ۱۶].

به نظر می‌رسد مراد ابن سینا از «او» ارسطو باشد. پس از ابن سینا، شیخ شهید شهاب‌الدین سهروردی متفکری است که به اهمیت این قاعده پی برد و بر آن برهان اقامه کرد. وی از این قاعده در تمام کتاب‌هایش و به خصوص «مطارحات» و «حکمه‌الاشراق» بیش از هر مطلب دیگری برای اثبات «مثل نوری» یا به تعبیر خود او، «انواع مجرد» استفاده کرده است [دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲: ۲۳۱].

«و یصح ان یكون فی الامور الکاینه الفاسده شخص ما ممنوع مما هم اشرف و اکمل له لمانعه اسباب سماویه و لمصاکه اسباب طبیعیه تابعه للسمایویات» [فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، ۱۳۸۰: ۴۸۶؛ مطارحات: ۴۳۴].

میراماد نیز در کتاب «قیسات» از قاعده‌ی امکان اشرف استفاده کرده است [مجموعه‌ی مقالات همایش ملاصدرا، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۸۵]. اما ملاصدرا در جلد هفتم از کتاب گران قدر «اسفار اربعه»، فصلی را به این قاعده اختصاص داده است. وی تلاش کرده است تبیینی جدید با کاربردی گسترده از این قاعده ارائه دهد. ملاهادی سبزواری مروج حکمت متعالیه و پس از و علامه طباطبایی [پیشین] نیز از جمله‌ی کسانی هستند که به بحث تفصیلی درباره‌ی قاعده امکان اشرف پرداخته‌اند.

شرایط اجرای قاعده

حکمایی که از این قاعده در حل مسائل فلسفی استفاده کرده‌اند، دو شرط برای جواز اجرای آن بر شمرده‌اند:

۱. موجود اشرف با موجود اخس اتحاد در ماهیت داشته باشد.
۲. این قاعده فقط در موجودات ثابت قابل اجراست و در عالم موجودات متغیر و دارای کون و فساد یعنی عالم ماده جاری نمی‌شود [قواعد کلی در فلسفه‌ی اسلامی، ۱۳۶۵: ۳۲].

صدرالمتألهین شیرازی، به دلیل اعتقاد به وحدت وجود و تشکیکی بودن آن، دامنه‌ی اجرای قاعده را بسیار وسیع و شامل تمام مراتب و عوالم وجود، اعم از عالم عقول، اشباح مثالیه، صور برزخیه، عقول عرضیه، ارباب انواع و عالم ماده و عالم طبیعت، ملکوت و لاهوت و نیز به همین دلیل از حق تعالی تا هیولای اولی می‌داند. وی در مورد اشتغال قاعده بر حق تعالی «جل و علا» می‌گوید: «اگر چه حق تعالی فعلیت محض و وجود بحث و بسیط است، اما منبع و مبدأ و معطی شرف نیز هست.»

در واقع، تنها شرط اجرای این قاعده از نظر ملاصدرا، اتحاد وجودی میان



وقوع مسئله‌ی علیت و معلولیت در ممکنات و تعلق جعل به وجود، تحقق مراتب بسیاری را در باب وجود ایجاب می‌نماید که ناچار مرتبه‌ی اعلای آن به واجب‌الوجود اختصاص می‌یابد و سایر مراتب به ممکنات تعلق می‌گیرد

از جمله قرائن در تأیید این مدعا، عبارتی است که سیمپلیکوس^۱ در شرح بر کتاب «درباره‌ی آسمان» از دیالوگ ارسطو به نام «درباره‌ی فلسفه» نقل کرده است: «به طور کلی در اموری که یک چیز بهتر هست، در آن‌ها یک چیز بهترین هست. پس چون در میان موجودات یکی از دیگری بهتر است، یک چیزی هم هست که شریف‌ترین است و همانا الهی است» [دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲: ۲۳۱].

افلوطین صاحب کتاب «اثولوجیا»، از جمله فیلسوفانی است که به دفعات از این قاعده استفاده کرده است [اسفار، ج ۷: ۲۴۴].

در میان فیلسوفان مسلمان، ابوعلی سینا نخستین کسی است که از این قاعده استفاده کرد [قواعد کلی در فلسفه‌ی اسلامی، ۱۸ با نوآوری‌های فلسفی ملاصدرا: ۱۵۱]، اما آن را به عنوان یک قاعده یا مسئله‌ی مستقل در نیارود. شیخ‌الرئیس در تعلیقات می‌فرماید: «کمال مطلق، حیثیت وجوب بدون امکان و وجود بدون عدم و فعل بدون قوه و حق بدون باطل است. هر آن چه از پس آن بیاید، ناقص‌تر از وجود اوست و غیر آن هر چه هست، در ذات خود ممکن است. پس از آن اختلاف در ترتیب و اشخاص



در میان موجودات ممکن، موجودی که درجه‌ی وجودی بالاتری دارد (اشرف)، بر موجودی که مرتبه‌ی پایین‌تری دارد (اخس)، دارای تقدم وجودی است

حالت اول، مستلزم صدور کثیر از واحد است.

حالت دوم، مستلزم اشرف بودن معلول از علت خویش است.

حالت سوم، مستلزم وجود موجودی اعلا و اشرف از حق تعالی است. چون موجودی که صدورش ممکن است و موجود نشده، باید عدم صدور آن مستند به علتی اشرف از واجب‌الوجود باشد و این محال است، به این دلیل که واجب‌الوجود افضل و اشرف موجودات است.

از آن‌جا که محال بودن همه‌ی این نتایج با براهین عقلی اثبات شده است، پس قاعده‌ی امکان اشرف با برهان خلف ثابت می‌شود [قواعد کلی در فلسفه‌ی اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۲-۲۱؛ ملاصدرا و دیگر فلاسفه: ۷-۲۸۶].

تقریر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در تعلیقه‌ی خود بر اسفار برهان زیر را آورده است. این برهان را عیناً از کتاب ارزشمند «قواعد کلی» نقل می‌کنیم: «مقدمه: وجود یک حقیقت اصیل و مشکک است که از نظر شدت و ضعف و قوه و فعل دارای مراتب متفاوت می‌باشد. وقوع مسئله‌ی علیت و

دو ممکن است، نه اتحاد ماهوی. به این خاطر که اختلاف در نوع و اعراض، در واقع به اختلاف در مرتبه‌ی وجودی باز می‌گردد [اسفار اربعه، ج ۷: ۲۴۷]. ذکر این نکته لازم است که تفاوت میان قاعده‌ی امکان اشرف و اصل تشکیک وجود در این است که قاعده‌ی امکان اشرف محدود به موجودات ممکن است، در حالی که دامنه‌ی اصل تشکیک وجود، شامل واحد‌الوجود هم - که وجود محض است - می‌شود [مجموعه مقالات همایش ملاصدرا، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۸۶].

برهان‌های اثبات قاعده

عمده‌ی براهین یا به تعبیر دیگر تقریراتی را که برای اثبات قاعده وارد شده است، می‌توان تحت یکی از سه تقریر زیر به حساب آورد:

تقریر سهروردی

مفاد قاعده‌ی امکان اشرف این است که ممکن اشرف قبل از ممکن اخس به وجود آمده است. حال اگر ممکن اشرف قبل از ممکن اخس به وجود نیامده باشد، چهار حالت متصور است:

۱. بعد از ممکن اخس به وجود آمده باشد.

۲. همراه او به وجود آمده باشد.

۳. اصلاً به وجود نیامده باشد.

۴. از طریق دیگری غیر از واجب‌الوجود به وجود آمده باشد.

تمام حالات فوق به شرح زیر محال‌اند:

حالت اول: معنای چنین فرضی این است که ممکن اشرف معلول ممکن اخس است و این امر محال است؛ زیرا هرگز موجود پست‌تر و ناقص‌تر نمی‌تواند علت موجود عالی‌تر و کامل‌تر باشد.

حالت دوم: خداوند - واجب‌الوجود - بسیط الحقیقه است. طبقه قاعده‌ی «الواحد» از واحد جز واحد صادر نمی‌شود. حال اگر موجود اشرف و اخس توأم از واجب‌الوجود صادر شده باشند، موجب صدور کثیر از واحد خواهد بود که این امر ممتنع و محال عقلی است.

حالت سوم: این مورد خلاف فرض قاعده است. زیرا قاعده عنوان می‌کند که موجود اشرف ممکن است نه ممتنع.

حالت چهارم: اگر موجود اشرف از علتی غیر از واجب‌الوجود به وجود آمده باشد، چون خود، برتر از صادر اول (موجود اخس) است، لازم می‌آید که علتش نیز برتر از واجب‌الوجود باشد و این ممتنع است؛ چون هیچ موجودی برتر و افضل از واجب‌الوجود نیست [پیشین].

تقریر ملاصدرا

اگر ممکن اشرف قبل از ممکن اخس به وجود نیامده باشد، سه حالت متصور است:

۱. موجود اشرف و اخس توأم از حق تعالی صادر شده باشند.

۲. موجود اشرف بعد از موجود اخس صادر شده باشد.

۳. موجود اشرف با این که ممکن است، اصلاً صادر نشده باشد.

تمام حالات فوق به شرح زیر محال‌اند:

- وجود طعوم و روائح و اصوات برای افلاک [پیشین].
 - ترتیب نظام وجود و بیان دو سلسله (بدو و عود)، ابن سینا به نقل از ملاصدرا [دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۲۳۱].
 - غایات وجودی اشیاء - ملاصدرا [قواعد کلی در فلسفه‌ی اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۳].
 - اثبات نفس ناطقه و بقای آن - شیخ اشراق [همان، ص ۲۷].
 - اثبات سعادت و خیر در امور علویه‌ای که گردش افلاک را به عهده دارند - شیخ اشراق [پیشین].
- در پایان این نکته‌رامی افزایشیم که ملاصدرا دو اشکال به قاعده‌ی امکان اشرف وارد کرده و خود نیز پاسخ آن‌ها را داده است. برای مطالعه‌ی آن خوانندگان فرزانه را دعوت می‌کنم به کتاب گران سنگ «اسفار اربعه» مراجعه کنند.

نتیجه‌گیری

قاعده‌ی امکان اشرف از قواعد مهم و مؤثر در فلسفه به معنای کلی - اعم از فلسفه‌ی شرق و غرب، اسلامی و غیر آن - است و فیلسوفان برتر در تاریخ فلسفه متوجه آن شده و از آن در اثبات مسائل مهم بهره‌ها برده‌اند؛ مسائلی از قبیل تبیین کثرت در عالم، در عین وجودی واجب که وحدت حقه‌ی حقیقه دارد و خالق این جهان است و هم چنین، اثبات موجودات غیر مادی که وسائط در خلقت هستند و بالاخره ایجاد تصویری منسجم، نظام مند و باشکوه از جهان هستی که قابل دفاع است و ذهن را از ورطه‌ی شک و شکاکیت می‌رهاند و به آرامش می‌رساند تا بهتر و آگاهانه‌تر در مقابل عظمت خالق خویش تعظیم و تسبیح کند.

پی‌نوشت

۱. (نیمه دوم سده ۶م) فیلسوف نو افلاطونی از شارحان آثار ارسطو

منابع:

۱. غفاری، سید محمد خالد. فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. تهران. ۱۳۸۰.
۲. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۲). بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران.
۳. امام، سید محمدکاظم. فلسفه در ایران باستان و مبانی حکمة الاشراق. بنیاد نیکوکاری نورپایی. تهران. ۱۳۵۳.
۴. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. قواعد کلی در فلسفه اسلامی. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی. چاپ دوم. ۱۳۶۵.
۵. مصطفوی، زهرا. نوآوری‌های صدرالمتألهین. بصیرت و حکمت. تهران. ۱۳۸۵.
۶. رحیمیان، سعید. فیض و فاعلیت وجودی از فلوطین تا صدرالمتألهین. بوستان کتاب. قم. ۱۳۸۱.
۷. ملاصدرا و دیگر فلاسفه (ج ۲). مجموعه مقالات همایش ملاصدرا. بنیاد حکمت اسلامی صدر. تهران. ۱۳۸۵.
۸. فرقانی، محمدکاظم. مسائل فلسفه‌ی اسلامی و نوآوری‌های ملاصدرا. دانشگاه امام صادق. تهران. ۱۳۸۵.

معلولیت در ممکنات و تعلق جعل به وجود، تحقق مراتب بسیاری را در باب وجود ایجاب می‌نماید که ناچار مرتبه‌ی اعلای آن به واجب‌الوجود اختصاص می‌یابد و سایر مراتب به ممکنات تعلق می‌گیرد. در میان مراتب ممکنات، برخی از آن‌ها اشرف و برخی اخس است. بنابراین اگر جعل، به باب وجود متعلق باشد، مسئله‌ی علیت و معلولیت به مسئله‌ی وجود رابط و وجود نفسی بر می‌گردد؛ چنان‌که وجود رابط متقوم به وجود نفسی است و بدون وجود نفسی هیچ‌گونه استقلالی ندارد. وجود معلول، متقوم به وجود علت است و بدون علت، هیچ‌گونه استقلالی برای آن متصور نیست. در این صورت هر مرتبه از مراتب گوناگون وجود به مرتبه‌ی مافوق خویش متقوم و عین ربط به اوست و مرتبه‌ی مافوق مقوم مرتبه‌ی مادون است.

اکنون اگر برای مراتب وجود سه مرتبه که عبارت از مرتبه‌ی مافوق، مرتبه‌ی مادون، و مرتبه‌ی متوسط است، فرض کنیم، مرتبه‌ی مادون فقط رابط و متقوم به مافوق خواهد بود و غیر از این چیزی نیست. مرتبه‌ی متوسط نسبت به مادون خویش مقوم و وجود نفسی است چنان‌که نسبت به مرتبه‌ی مافوق خود رابط و متقوم است. مرتبه‌ی مافوق و عالی عبارت است از وجود نفسی که نسبت به مراتب مادون همواره مقوم است.

حال هرگاه ممکن اخس متحقق گردد و پیش از آن ممکن اشرف تحقق نیافته باشد، این اشکال لازم می‌آید که آن چه بر حسب فرض، بالذات متقوم و عین ربط است، بدون وجود مقوم تحقق پذیرد و این معقول نیست» [قواعد کلی در فلسفه‌ی اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۱ و ۲۲].

تقریر علامه با دو تقریر قبل این تفاوت را دارد که در آن به جای مفهوم ماهیت از مفهوم وجود - که مفهومی تشکیلی است - استفاده شده تا مفاد قاعده شامل حق تعالی هم بشود در این صورت باید از آن به جای قاعده‌ی «امکان اشرف» از قاعده‌ی «موجود یا وجود اشرف» تعبیر کرد [مجموعه‌ی مقالات همایش ملاصدرا، ۱۳۸۵: ۲۸۷].

موارد اجرای قاعده

- حکمای مسلمان در موارد بسیاری از این قاعده استفاده کرده‌اند؛ از جمله:
- صدور بی‌واسطه‌ی عقل اول از ذات حق و تقدم وجودی او بر سایر موجودات ممکن از فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق، ۱۳۸۰: ۸۵ و ۸۴.
 - صدور سلسله‌ی عقول طولی و عرضی [پیشین].
 - وجود ارباب انواع و مراتب متفاوت آن‌ها [پیشین].
 - وجود عالم مثال و مراتب متفاوت واقع در آن عالم [پیشین].
 - وجود نفوس و افلاک و ترتیب و تناسب میان آن‌ها [پیشین؛ مجموعه‌ی مقالات همایش ملاصدرا، ۱۳۸۵، ۲۸۹].
 - وجود نظام احسن بر مبنای سلسله‌ی مراتب علی و معلولی [پیشین].
 - مثل افلاطونی [مجموعه مقالات همایش ملاصدرا: ۴۳۸].
 - جواز اجتماع دو میل به یک جهت [مسئله‌ی فلسفه‌ی اسلامی و نوآوری‌های ملاصدرا: ۴۳۸].